



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

پیش نویس اولیه طرح

تحول در نظام اداری کشور

با ضرورت تحول در

«نظام تصمیم سازی، نظام تصمیم گیری و نظام اجرا»

براساس

رویکرد قاعده مند به گفتمان انقلاب اسلامی

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق

تدوین: گروه مدل حسینه اندیشه

کارشناسان تدوین: حجج اسلام محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد و روح الله صدوق

کنترل نهایی: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد

۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ - ۹۱۹۲۵۳۸۴۶۹

حسینه اندیشه

دین اسلام

فهرست مندرجات

۱. مبانی نظری تحول در نظام اداری کشور..... ۴
- ۱/۱. بخش اول: مقایسه اصول اساسی «فرهنگ مدرنیته» با «فرهنگ گفتمان انقلاب» در ساختار اداری کشور..... ۵
- ۱/۲. بخش دوم: مبانی تحول در «الگوی تنظیم برنامه»..... ۱۰
۲. مدل سازی موضوعی برای تحول در نظام اداری کشور..... ۱۳
- ۲/۱. فصل اول: ضرورت تغییر رویکرد در «مدل سازی موضوعی»..... ۱۴
- ۲/۲. فصل دوم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریت ها در بخش اقتصاد..... ۱۷
- ۲/۳. فصل سوم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریت ها در بخش سیاست..... ۱۹
- ۲/۴. فصل چهارم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریت ها در بخش فرهنگ..... ۲۱

مبانی نظری

تحول در نظام اداری کشور

با رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب اسلامی

بخش اول:

مقایسه اصول اساسی

«فرهنگ مدرنیته» با «فرهنگ گفتمان انقلاب»

در ساختار اداری کشور

اصل اول: مدیریت حادثه‌سازی

ساختار اجرایی نظام‌ها از «مدیریت حادثه‌سازی» تبعیت می‌کند؛ بر این اساس:

- در فرهنگ مدرنیته، جاذبه‌ی مدیریت حادثه‌سازی از طریق تولید و توسعه تکنولوژی و عرضه

آن در نمایشگاه‌های صنعتی، جریان می‌یابد که مقیاس تصرف قدرت بشر در طبیعت را

ارتقاء می‌دهد و حاصل آن رفاه مادی و دعوت به دنیاست.

- فرهنگ گفتمان انقلاب اسلامی، جاذبه‌ی مدیریت حادثه‌سازی را در دعوت به آخرت ترسیم

می‌کند و از طریق نرم‌افزار «اقامه کلمه حق در درگیری با اقامه کلمه‌ی باطل» و افشای

«مظالم فرهنگ مدرنیته» وجدان عمومی بشریت را زنده کرده است و از فقر فرهنگی غرب

که حاصل «ارتقاء دائم‌التزاید رفاه مادی» است، پرده برداشته است.

اصل دوم: تحلیل «سطوح، ابعاد و مراحل» مدیریت

«سطوح، ابعاد و مراحل» مدیریت عبارت‌اند از:

۱. سطوح مدیریت

۱/۱- مدیریت توسعه (حادثه‌سازی) ۱/۲- مدیریت کلان (ساختاری) ۱/۳- مدیریت خرد

۲. ابعاد مدیریت

۲/۱- سیاسی ۲/۲- فرهنگی ۲/۳- اقتصادی

۳. مراحل مدیریت

۳/۱- تصمیم‌گیری ۳/۲- تصمیم‌سازی ۳/۳- اجرا

براساس طبقه‌بندی فوق، عملکرد نظام مبارک جمهوری اسلامی در حفظ جهت‌گیری (سطح توسعه) و در بُعد «موضوعات سیاسی» توانسته است مدیریت مورد نظر خود را جاری سازد که این امر مستقل و متفاوت از اندیشه سیستمی جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی بوده است. اما عملکرد مدیریت نظام مبارک جمهوری اسلامی در رفتار ساختاری (سطح کلان) و در ابعاد «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» وابسته به

اندیشه سیستمی و منطق جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی

مدیریت اقتصادی و صنعتی حاکم بر سازمان برنامه و بودجه

تقسیمات وزارتخانه‌ای هیئت وزیران و بانک مرکزی

بوده است.

عملکرد مدیریت نظام مبارک جمهوری اسلامی در «سطح خرد»، انقلابی یا جناحی و سلیقه‌ای بوده است.

اصل سوم: تفاوت اهداف مدیریت در نظام اسلامی با مدیریت در فرهنگ مدرنیته

از آن‌جا که اهداف نظام جمهوری اسلامی الهی، انسانی و اخلاقی است و ذاتاً با نظام مدیریت جهانی درگیر است، باید بتواند نرم‌افزارهای خود را مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مهندسی کند. نرم‌افزارهای الگوی توسعه‌یافتگی (مبتنی بر رفاه دائم‌التزاید) در فرهنگ مدرنیته، «مکانیکی» و «غیر ارگانیک» می‌باشند. زیرا علوم پایه مادی، زیر ساخت توسعه علوم اجتماعی را بر عهده دارد. از این رو عمر علم مدیریت در این مبنا زمان‌دار بوده و قطعات آن مانند ماشین، محتاج به تعویض و تعمیر است؛ در حالی که هدف نظام مدیریت اسلامی، «انسان و ارتقاء قوه‌ی اختیار و آزادی‌های او» است. اما هدف مدیریت در مدرنیته، «رشد کالا و تولید» و «ارتقاء شاخصه‌های کالاها و استانداردهای آن» است.

اصل چهارم: «تعادل قوا» در نظام مدیریت

اولین تقسیم نظام‌های مدیریتی در قانون اساسی، تفکیک سه قوه «اجرا، تقنین و قضا» از یکدیگر است، اما عدم توجه به شیب و ضریب حاکم بر آن، موجب غفلت از مادی یا الهی بودن این تقسیم شده است. براساس فرهنگ مدرنیته که دارای اهداف مادی و رفاه طلبانه است، شیب (یا تعادل قوا) به نفع قوه‌ی اجرا بوده و قضا - که دستگاه وجدان‌سازی و ارتباط مستقیم با انسان‌ها است - در منزلت آخر قرار دارد. اما در نظام جمهوری اسلامی، قوه قضائیه در پیوند با اصل ولایت فقیه، مسئولیت وجدان‌سازی در داخل و خارج نظام را به عهده دارد و در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به منزلت حقیقی خود در نظام مطلوب الهی دست یابد.

بر این اساس شیب «نظام مدیریت الهی» در هیئت وزیران هم باید به نفع وزارتخانه‌هایی تغییر یابد که به جای «صنعت و کالا» به «روابط انسانی» می‌پردازند. به تعبیر دیگر، وزارتخانه‌های سیاسی و فرهنگی در فرهنگ توسعه‌یافتگی به عنوان بخش خدمه‌ی «بخش اقتصاد» جهت‌دهی می‌شوند حال آن‌که در نظام پیشرفت الهی باید وزارتخانه‌های اقتصادی در خدمت فرهنگ و سیاست باشند.

اصل پنجم: جایگاه بخش «خصوصی، دولتی و تعاونی» در نظام

ماشین تحرک نظام‌های سرمایه‌داری، بخش خصوصی است که با تولید ثروت، هزینه ماشین دولت را از طریق مالیات‌ها پرداخت کرده و با بسترسازی برای نهادهای تعاونی، خیریه و مدنی در عمل هزینه ساختارها را نیز پرداخت می‌کند و در عوض بر جهت‌گیری‌های یک نظام اعم از «قضا، تقنین و اجرا» در هر سه حوزه «خصوصی، دولتی و تعاونی» حکومت می‌کند.

اما ماشین تحرک نظام‌های الهی، بخش دولتی است که با تولید انگیزش‌ها و تولید آزادی و آگاهی باید نیروی انسانی کارآمد بخش تعاونی و بخش خصوصی را تأمین نماید تا اخلاق در نظام تئوریزه شود.

از این رو باید بخش دولتی با «الگوی درآمد زاهدانه» بالاترین قله‌ها را فتح نماید و اיתار را در «نظام توزیع اختیارات» خود نهادینه نماید.

اصل ششم: جایگاه مدیریت «متمركز، شبکه‌ای و کارگاهی» در سازمان

تعریف سازمان و اختیارات سازمانی در علم مدیریت موجود، دارای نرم‌افزار مادی و برخاسته از تقسیمات صنعت و تکنولوژی است و عامل تحقیر و تحلیل مادی انسان‌ها می‌شود که با کرامت انسانی سازگاری ندارد. لذا حاکم کردن «روابط مادی مدیریت در بخش خصوصی» بر «بخش دولتی»، ظلمی نابخشودنی در نظام مبارک جمهوری اسلامی است.

علاوه بر آن توجه به مدیریت «متمركز - شبکه‌ای - کارگاهی» و اختصاص بخش «متمركز» به «کالا و صنعت»، بخش «شبکه‌ای» به روابط انسانی و بخش «کارگاهی» به «امور خانواده» باعث منحل کردن روابط مدیریتی نظام در اخلاق رذیله است.

اما «مدیریت متمركز» در نظام اسلامی باید از طریق سه معاونت «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» به «ارتقاء ظرفیت انسان‌های شاغل در نظام اداری» پردازد و با «تجزیه صنعت» و «اعمال مدیریت کارگاهی در تولید کالا» به روابط مدیریتی ساده و کرامت انسانی توجه شود. همچنان که باید «مدیریت شبکه‌ای» را در بخش فرهنگ اعمال نمود.

بخش دوم:

مبانی تحول در

«الگوی تنظیم برنامه»

(مدل استخراج آمارهای کمی و کیفی، مهندسی طرح سازمانها و

هدایت و کنترل عملکردها)

الگوی تنظیم برنامه (مدل‌سازی) در فرهنگ مادی نظام سرمایه‌داری، دارای روند خاص است؛ که عدم توجه به آن، اخلاق مادی را در نظام جمهوری اسلامی تئوریزه می‌کند.

در این مبنا «ضرورت(خلاء)، موضوع و هدف» سه مؤلفه‌ی کمی در جمع‌آوری نظام آماری توسعه مادی برای تدوین چشم‌اندازها و سندهای بالادستی است که این امر در ساختار آماری هر نظام از معاونت برنامه در استانداری‌ها آغاز و در سازمان برنامه و بودجه آنالیز می‌شود و پایه تدوین برنامه‌های پنج‌ساله قرار می‌گیرد. یعنی آنالیز و تحلیل وضعیت موجود در مقایسه با آهنگ کمی «وضعیت جامعه جهانی، بین‌الملل و منطقه» سنجیده می‌شود و بر این اساس، راهبردهای اخلاقی و فرهنگی برای ارتقاء ظرفیت‌ها در چهارچوب «آیین دنیابردی» به دستگاه تصمیم‌گیری القاء می‌شود.

حال آن‌که در نظام جمهوری اسلامی، توصیف واقعیت‌ها از درگیری با نظام استکبار آغاز می‌شود و این امر، جایگاه و منزلت اعتقادات و آرمان‌ها را در زمان و مکان فعلی مجسم می‌سازد و تجسم عینی «اسلام در عمل»، ظرفیت دین‌داری جامعه و امت دینی را ترسیم می‌نماید. یعنی بر این اساس

پتانسیل و ظرفیت موجود دشمنان

ظرفیت مطلوب نظام اسلامی

و شرایط انتقال به امت دینی

به صورت کمی تعیین می‌شود.

این مبنا چهارچوب جدیدی از سه مؤلفه «ضرورت(خلاء)، موضوع، هدف» را در جمع‌آوری نظام آماری برای پیشرفت الهی و تدوین چشم‌اندازها روبه‌روی ما قرار می‌دهد.

حال براساس چهارچوب کمی آرمان‌ها و اهداف نظام است که می‌توان گام دوم را در تدوین سیاست‌های کلان نظام برداشت؛ یعنی با نگاه جدید به «ضرورت‌ها و موضوعات و اهداف» جدید می‌توان «عوامل تغییر»

تغییر عوامل؛ ضرائب فنی» جدیدی را بدست آورد تا به وسیله‌ی آن‌ها به مطالعه وضعیت گذشته؛ وضعیت حال و وضعیت آینده با رویکرد جدید پرداخت.

در گام بعدی، «استراتژی؛ راهبردها و محورهای تغییر» در موضوعات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» ترسیم می‌شود و نظام آماده می‌شود تا وارد تدوین برنامه‌ها شود.

قبل از ورود در تدوین برنامه‌ها باید به تولید شاخصه‌ها در «کنترل رفتار نظام، سازمان برنامه و کلیات برنامه» پرداخت تا مقدمات «روش و مدل استخراج آمارهای کمی و کیفی» در برنامه و «مهندسی طرح سازمان‌ها» و «هدایت و کنترل عملکردها» فراهم شود.

مدل‌سازی موضوعی

برای

تحول در نظام اداری کشور

با رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب اسلامی

فصل اول: ضرورت تغییر رویکرد در «مدل‌سازی موضوعی»

چالش اصلی در بخش اجرا آن است که قوه مجریه به دنبال «توسعه‌یافتگی» است و دستور عمل وزارتخانه‌ها و هیئت وزیران بر همین اساس شکل گرفته و همه سازمان‌ها پی‌گیر ایجاد زیرساخت‌های توسعه در بخش‌های فیزیکی، حمل و نقل، علوم، ارتباطات و... می‌باشند. یعنی عملاً بخش «تقنین، اجرا و قضا» بر اساس «مدل تری‌گپس» هماهنگ می‌شوند تا رفاه مادی برای مردم محقق شود که این امر ذاتاً با اهداف و سیاست‌های عدالت‌خواهانه نظام درگیر است. در این روند است که قبض و بسط بین مأموریت‌ها در نظام به وجود می‌آید و عملکردها در کشمکش «توسعه‌یافتگی غربی» و «عدالت‌محوری انقلابی» دچار چالش و سایش می‌شوند. پس مشکل اصلی در غیر واقعی بودن برخی مصوبات یا خوب اجرا نشدن آن‌ها نیست. به عبارت دیگر حتی اگر به دنبال «مدل‌سازی موضوعی و مصداقی» باشیم و تغییر مدل در منزلت برنامه‌ریزی را مدنظر قرار ندهیم، باز هم باید از تغییر «رویکردها» و «مأموریت‌های بخش‌های مختلف بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی آغاز کرد که پیشنهادهای ذیل در همین چهارچوب قابل تعریف است:

به عنوان مثال جهت حاکم بر رفتار قوا به نحو عام، بسترسازی برای جریان «اقتصاد منطقه، بین‌الملل و جهانی» در اقتصاد داخل است و مدل‌های حاکم و جاری در دنیا در قالب طرح‌های ملی، کلان و عمرانی به دنبال ارتقاء ظرفیت رفاه مادی است. اما نظام سعی دارد رفاه را به قید عدالت در همه‌ی مناطق و تمامی جغرافیای سیاسی کشور تعمیم دهد.

ساختن سد، فرودگاه، بندر، سلاح، نیروگاه اتمی، کارخانه‌های مادر، پالایشگاه و ده‌ها عناوین دیگر توسعه‌یافتگی در همه بخش‌ها، دارای فرایند خاص تولید و الگوی درآمد خاص و نرم‌افزارهای مدیریتی خاص و بالمآل ایجاد اخلاق خاص مادی در اشتغال است که در یک کلام به «صرفه اقتصادی» بازگشت

می‌کند اما در جمهوری اسلامی، این مأموریت‌ها براساس صرفه سیاسی و انقلابی انجام می‌شود و پیش‌بینی‌های کارشناسی را در بن‌بست قرار می‌دهد.

چنین روندی کاملاً با فرهنگ جنگ در دفاع مقدس متفاوت است. زیرا نرم‌افزار مدیریت در جنگ، شکل مادی سلسله مراتب جنگ کلاسیک را نداشت و الگوی هزینه‌های نیروی انسانی از الگوی درآمد انقلابی تبعیت می‌کرد. همچنان که الگوی «دفاع شهادت‌طلبانه» با الگوی «ابزار محور» جنگ کلاسیک - که دستیابی به کمترین هزینه جانی را دنبال می‌کند - متفاوت بود. به همین دلیل بود که مدیریت جنگ کمتر با چالش‌های امروزی نظام مواجه می‌شد گرچه تحلیل عدم‌فتح نظامی در دفاع مقدس مجال دیگری را می‌طلبد.

حال اگر بخواهیم سازوکار مدیریت حضرت امام (ره) در بخش سیاسی، امنیتی و دفاعی را در بخش اقتصاد پیاده کنیم و رفاه مردم را به قید عدالت تأمین کنیم، باید آسیب‌شناسی صحیحی از روند طی شده در جنگ، دوره سازندگی، دوره توسعه سیاسی و دوره گفتمان انقلاب ارائه کنیم تا راه برای تدوین مدل‌های تخمینی در اداره کشور باز شود. به نظر می‌رسد برخورد «بخشی، موضوعی و نگاه درونی» مدیران نظام در اجرا و تقنین، مسائل را به برخورد سلیقه‌ای، جناحی یا انقلابی سوق داده و مدل‌های حاکم بر رفتارهای بخش اقتصادی، علت چالش فرهنگی و سیاسی در نظام شده است.

← آسیب در بخش اقتصاد، تورم انتظاراتی است که ناشی از شعار عزت‌مندانه عدالت در نظام جمهوری اسلامی است و باعث شده تا «قیمت کار»، نرخ «سود سرمایه» را به چالش بکشد.

← آسیب در بخش فرهنگ به تأثیر مدل‌های اقتصادی غربی بر فرهنگ باز می‌گردد؛ یعنی جریان اخلاق «توسعه‌یافتگی» همه چیز را براساس هزینه و فایده تعریف می‌کند و جایی برای اخلاق الهی باقی نمی‌گذارد.

← سلاح محوری در دفاع؛ فرهنگ امتیاز دهی و امتیازگیری در مذاکرات سیاسی و در حاشیه قرار گرفتن مردم در نظام اطلاعاتی، هزینه‌های امنیتی زیادی را به نظام تحمیل می‌کند و به دستاوردهای سیاسی نظام ضربه می‌زند.

تحقق توصیه مقام معظم رهبری به پیش‌بینی حوادث و تدوین برنامه برای آنها، ارتقاء ظرفیت نظام را می‌طلبد. در واقع پافشاری نظام بر آرمان‌ها برای حل قبض و بسط‌های موجود در مأموریت‌ها بوده و لذا باید نظام را از این چالش‌ها نجات داد که این امر در شرایط فعلی باید از بخش اقتصاد آغاز شود.

فصل دوم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش اقتصاد



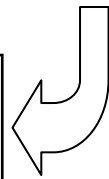
۱ با کنترل واردات در الگوی مصرف و ارائه تعریف جدید از رفاه مادی به «کنترل نظام موازنه ارزی» می‌پردازیم.

۲ با محور قرار دادن بخش کشاورزی در مجموعه‌ی «خدمات، صنعت و کشاورزی» و واگذاری آن به بخش دولتی به دنبال کنترل قیمت‌ها در داخل و خود کفایی نظام در این بخش هستیم که این امر با الگوی درآمد انقلابی و واگذاری این بخش به بسیج جهادی میسر است.

لذا اولین گام انقلابی برای حل چالش‌های اقتصادی، تنظیم اساس‌نامه‌ی نهاد مذکور است که با دو مأموریت «تنظیم قیمت نیازهای داخلی با کار و سرمایه ایرانی» و «جلوگیری از رشد مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها» شکل می‌گیرد.

در بخش خدمات باید «مساجد، هیئات و بسیج» شهرها و روستاها وارد صحنه شوند و به شکستن قیمت‌ها بپردازند و آماده مأموریت‌های سازمانی در جهت ساماندهی توزیع شوند و در این مسیر باید از خدمات الکترونیک بهره‌مند گردند.

در بخش صنعت الگوی تولید کشور از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط تغییر رویکرد دهد که مأموریت‌های تولیدی را از وابستگی به قدرت‌های جهانی اقتصاد به اقتصاد داخلی باز می‌گرداند و صنعت داخلی را در جهت «استقلال» قرار می‌دهد. لذا وزارت صنایع و وزارت نفت به حفظ وضعیت موجود در تکنولوژی اهتمام نمایند؛ اما وزارت دفاع، جهاد کشاورزی و قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه مسئول تغییر رویکرد تکنولوژی خواهند بود.



برای تحقق برنامه فوق در صنعت، باید ارتباط بین دانشگاه و بازار را تقویت نمود و به سودآور کردن صنعت کشور (تکنولوژی متوسط، با دوام و فراگیر) پرداخت و با توجه به «جهاد دانشگاهی» به عنوان یک نهاد انقلابی، ستاد انقلابی برای اقتصاد کشور تکمیل شود. از طرف دیگر لازم است نظام مالی، حامی نهادهای جدید کشور شود و صندوق‌های قرض‌الحسنه ملی برای حمایت از نهادهای فوق طراحی گردد.

با این نگاه، در «سند تحول نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور» و «نقشه جامع علمی» تحول مهمی ایجاد می‌کند که در این صورت عموم دانشگاه‌ها مأمور تولید علم در صحنه جهانی خواهند بود؛ اما دانشگاه‌های تأسیس شده بعد از انقلاب (مانند تربیت مدرس، امام صادق (ع) و...) مأمور تغییر رویکرد تولید علم در جهت استراتژی جدید صنعت و تکنولوژی خواهند بود.

فصل سوم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش سیاست



بعد از ساماندهی «نظام مأموریت‌ها» در عرصه اقتصاد باید به دنبال ساماندهی مأموریت‌ها در عرصه سیاست با رویکرد «استراتژی دفاع همه جانبه» بود.

در بخش نظامی باید به دنبال آن بود که نیروهای نظامی آمریکا از کشورهای همسایه کوچ نموده و آرایش نظامی خود را به خارج از مرزهای عراق، افغانستان و پاکستان منتقل کنند. علاوه بر این، به جای تمرکز بر تأمین امنیت داخل کشور باید تأمین امنیت در خارج از مرزها طراحی شود که این امر با ایجاد هسته‌های مقاومت مردمی در مرزها و ارتباطات مرزی ایران با این سه کشور در امور نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی ممکن است.

توسعه زیر ساخت‌های حمل و نقل، مخابرات و ... با بودجه جمهوری اسلامی، علت روان‌سازی ارتباطات مردمی بین کشورهای مذکور با شهروندان ایرانی شده و تشریفات قانونی برای مردم ملغی می‌شود. از سوی دیگر آزاد شدن ترانزیت نیروی کار سه کشور همسایه با جمهوری اسلامی در پروژه‌های عمرانی و غیر آن همراه با پیوست فرهنگی، روح جدیدی به کالبد اقتصاد نظام می‌دمد.

۲

هزینه بودجه‌های گردشگری برای روان‌سازی تورهای زیارتی به عتبات و بالعکس و شدت بخشیدن به رفت و آمد شهروندان ایرانی و عراقی - علی‌رغم هزینه‌های احتمالی اولیه - در دراز مدت، عتبات عالیات را به مرزهای جغرافیایی ایران پیوند می‌دهد و امنیت پایدار این بخش از کشور را تضمین می‌کند. همچنان که برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر در مرزهای شرقی، استفاده از راهکار نظامی در داخل خاک افغانستان ضروری است.

۳

باید تأمین امنیت داخلی شهرهای مرزی و حادثه‌خیز را به بسیج و سپاه واگذار کرد.

۴

اداره استان‌ها نیز باید به مردم واگذار شود و در این راستا باید آئمه جمعه و امامان جماعت را درگیر موضوعات استانداری‌ها، شوراها و شهرداری‌ها نمود.

فصل چهارم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش فرهنگ



۱ باید حوزه هنری را مأمور تحقق «هنر مقاومتی» نمود و شبکه‌ها و نشریات استانی را به این نهاد سپرد تا مأموریت‌های جدید فوق‌الذکر در عرصه اقتصاد و امنیت، پوشش خبری داده شوند. با این هدف که مردم در این حوزه‌ها برخورداردی فعال داشته باشند.

۲ حوزه‌های علمیه باید تولید «مبانی نظری زیباشناسی» براساس رویکرد قرآنی و آموزش آن به جامعه هنری را بر عهده گیرند تا جایگزینی برای زیباشناسی حسی و مادی فرهنگ مدرنیته فراهم آید و با تکیه بر عقلانیت دین‌محور به تولید فلسفه تاریخ انبیاء و فلسفه اسلامیت جامعه پردازند تا فراگیری قرآن و معارف اهل بیت (ع) و فقه محمد و آل محمد (ص) در همه مقاطع تحصیلی به امری کاربردی و مرتبط با زندگی تبدیل شود که در این صورت، مقدمات طرح تحول در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی فراهم خواهد شد.

۳ با ایجاد فضای فرهنگ مقاومت (بعد از چند سال) از طریق اقدامات انقلابی در عرصه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، باید به احیا نهاد امر به معروف و نهی از منکر همت گماشت و تئوریزه کردن آن را در شبکه‌های استانی پی‌گیری نمود و به اقدامات عملی و شهروندی در محیط کلان شهرها پرداخت که این امر باید از تعریف وظایف جدید برای نهاد مسجد و هیئت آغاز شود.

۴

گفتمان‌سازی پیرامون ادبیات انقلاب در قالب «نشست با نخبگان، کارگاه با اساتید و مناظرات برای دانشجویان»، ظرفیت نظام را برای یک حرکت عظیم و انقلاب فرهنگی به وجود می‌آورد.

۵

تحول نظام آماری کشور از نگاه «شهروندی» به نگاه «خانواده‌محور»، انقلابی در تدوین برنامه‌ها به وجود می‌آورد و نظام را برای تحول در نظام اداری کشور به پیش می‌برد.

۶

بعد از یک دهه با عملیاتی شدن برنامه‌های جدید اقتصاد مقاومتی و امنیت مقاومتی، مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها کنترل شده و مقدمه‌ی نگاه جدید به شهر و روستا و تدوین سبک زندگی اجتماعی فراهم می‌شود.

با ضعیف شدن «رویکرد مادی به عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد» پیش‌گیری از جرم قوت گرفته و بستر تولید پرونده‌های قضایی و اختلافات بین شهروندان، اقشار و احزاب به شدت کاهش خواهد یافت و هم‌بستگی‌ها افزایش می‌یابد.

به دنبال ایجاد بستر «اخلاق اجتماعی»؛ محیط زیست نیز از تخریب‌ها، دست‌اندازی‌ها و... پالایش شده و پاکیزگی و طراوت خود را حفظ خواهد کرد.

۷

خدمت سربازی باید از دو سال به پنج سال افزایش یابد تا بتوان مشکل اشتغال جوانان و آینده‌ی آن‌ها را به وسیله‌ی تأمین خدمات نظام حل و فصل کرد. در دوران سربازی با آموزش و شروع به کار، جوانان در شرکت‌های تولیدی زودبازده شریک می‌شوند تا از این طریق مشکل‌های مالی ازدواج آن‌ها نیز حل گردد.

۸

احیا فرهنگ وقف و توسعه خیریه‌ها می‌تواند در گردش مالی کشور بسیار مؤثر باشد و پشتوانه‌ای برای قدرت پول ملی کشور قرار گیرد.

۹

فرهنگ اسراف، لاپالی‌گری و مُدگرایی در الگوی تغذیه با مهندسی جدید اقتصاد مقاومتی، فرهنگ مقاومتی و امنیت مقاومتی ضربه خورده و لذا مقدمات تغییر رویکرد نظام سلامت کشور از «درمان محوری» به «بهداشت محوری» فراهم می‌شود و طرح‌هایی همچون پزشک خانواده از موضوعیت خارج شده و این مهم به درون خانواده‌ها منتقل می‌شود.

۱۰

وقتی یک ملت به هویت اسلامی - ایرانی خود بازگشت نماید و در بستر «فرهنگ مقاومت» زندگی کند، از «هویت‌سازی با ابزار ورزش» رهایی یافته و ورزش در زندگی شهری منزلت جدید پیدا می‌کند؛ از این رو، ورزش همگانی متغیر اصلی در ورزش می‌شود.